**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه197 – 18/ 01/ 1398 زیادی جزء / اقل و اکثر ارتباطی /قاعده احتیاط**

خلاصه بحث:

بحث در زیادی جزء بود. مرحوم صدر برای صدق زیادی دو قید را مطرح کرده و مرحوم شیخ نیز قید دیگری را بیان کرده است. در این جلسه ضمن بیان این قیود، محور بحث جلسات آینده مورد اشاره قرار می گردد.

**بازگشت زیاده به نقیصه در فرض اشتراط عدم زیاده**

مرحوم آخوند و به تبع ایشان مرحوم خویی می فرمایند: اگر در جزء عدم زیاده شرط باشد، زیاده بازگشت به نقیصه خواهد داشت و به همین دلیل بحث در مضرّ بودن یا نبودن زیادی جزء در صورتی است که شرط عدم زیاده وجود نداشته باشد. اصل این مطلب در کلام مرحوم شیخ وارد شده است. ایشان سه مبحث زیادی عمدی جزء، زیادی سهوی جزء و نقیصه سهوی جزء را مطرح کرده و در زیادی عمدی جزء می فرماید: **« المسألة الثانیة فی زیادة الجزء عمدا. و إنما یتحقق فی الجزء الذی لم‏ یعتبر فیه‏ اشتراط عدم الزیادة فلو أخذ بشرطه فالزیادة علیه موجب لاختلاله من حیث النقیصة لأن فاقد الشرط کالمتروک کما أنه لو أخذ فی الشرع لا بشرط الوحدة و التعدّد فلا إشکال فی عدم الفساد.»**[[1]](#footnote-1)

مرحوم صدر[[2]](#footnote-2) این مطلب را از مرحوم آخوند نقل کرده و بدان اشکال می کنند: در فرض اشتراط عدم زیاده، بر جزء زائد هم زیاده صادق بوده و هم نقیصه صدق می کند. صدق نقیصه بدین علت است که مثلا رکوع به شرط لای از تکرار جزء نماز است و با تکرار، شرط عدم تکرار رعایت نشده و متصف به این شرط نیست. صدق زیاده نیز بدین سبب است که بالاخره رکوع به علت تکرار زائد شده است و در صدق زیاده لازم نیست مسانخ با اجزاء صلاه در تمام جزئیات باشد تا زیاده صادق باشد بلکه همین میزان که عملی شبیه اجزاء نماز زائد شده باشد، زیاده صادق خواهد بود.

مراد مرحوم صدر در صدق زیاده مفهوم نیست زیرا ایشان در صدق نقیصه، جزء را با تمام اوصاف شرعی آن از جمله عدم زیاده در نظر گرفته و با این تصویر، بیان می کند چون مقید بما هو مقید اتیان نشده، نقیصه صادق است اما در صدق زیاده، جزء را بدون اوصاف شرعی آن ملاحظه کرده و می فرماید: چون ذات المقید تکرار شده است، زیاده صدق می کند.

**شرایط صدق زیاده**

مرحوم صدر برای صدق زیاده دو قید وجود دارد. قید اول این است که مزید فیه مطاط و مرن باشد.[[3]](#footnote-3) و قید دوم این است که شیء خارج از حد مزید فیه باشد. در کتب لغت مطاط و مرن به معنای کش دار مانند فنر ترجمه شده که می توان معادل آن را انعطاف پذیر قرار داد. برداشت از مطاط و مرن این است که برخی از مفاهیم انعطاف پذیر هستند که با وجود جزء مفهوص صادق بوده و بدون وجود جزء نیز مفهوم صادق است. این همان بیانی است که در جلسات گذشته تبیین شد که هر چیزی که جزء سنخ طبیعت است الزاما جزء مقوم آن طبیعت نیست. ولی گویا سید حائری برداشت دیگری از کلام شهید صدر دارند زیرا در حاشیه می فرمایند: با دو قیدی که شهید صدر بیان کرده باید بر قنوت و اجزاء مستحب، زیاده صادق باشد به این علت که اجزاء مستحب هر دو شرط را دارا هستند اولا: مزید فیه که نماز باشد، قنوت را نیز شامل است زیرا نماز عبادت برای خداست و مفهوم کش داری دارد که اجزاء مستحب را نیز در خود جای می دهد. ثانیا: قنوت و اجزاء مستحب جزء مقوم نماز نیستند. با این تبیین از معنای زیاده، سید حائری روایت دالّ بر بطلان صلاه در صورت زیاده را حمل بر زیاده رکعت کرده اند.[[4]](#footnote-4)

از این کلام برداشت می شود سید حائری با قید اول کش دار بودن مفهوم به نحوی که اگر جزء زائد وجود داشته باشد، داخل در فرد باشد را برداشت کرده و با قید دوم، مقوم طبیعت نبودن را فهمیده است. اما ظاهر کلام شهید صدر از دو قید مذکور برای زیاده این نیست و اگر مراد شهید صدر از زیاده این باشد، در دید عرف برای صدق زیاده این دو قید شرط نیست.

صدق زیاده بر قنوت صحیح نیست آیا اگر شارع از ابتدا بیان کرده باشد، می توانید نماز را با قنوت انجام دهید و می توان بدون قنوت اتیان کنید یا اطلاق دلیل وجوب صلاه مقتضی این باشد که وجود و عدم قنوت مضرّ نیست، با اتیان قنوت بر این قنوت زیاده صادق است؟

در نتیجه، اولا کلام مرحوم صدر همراه با ابهام بوده و مراد از خارج از حد به خوبی روشن نیست و ثانیا سید حائری از کلام مرحوم صدر برداشت کرده که قنوت زائد است. ظاهر این استظهار آن است که ایشان خارج از حد را خارج از جزء مقوم فهمیده و به همین دلیل قنوت را زائد فرض کرده است. اما همانگونه که بیان شد: اگر شارع تصریح کند یا اطلاق کلام او مقتضی این باشد که اتیان و عدم اتیان قنوت مانعی در نماز ایجاد نمی کند، بر قنوت زیاده صدق نیست.

فرض کنید شارع با دادن نقشه ای امر به ساخت خانه سه اتاقه می کند. اگر خانه سه اتاقه مقید به سه اتاق بوده و اصلا خانه چهار اتاقه مصداق آن نباشد، قید اول صدق زیاده در آن وجود ندارد زیرا خانه سه اتاقه مفهوم کش داری نیست که خانه چهار اتاقه را شامل شود. اگر خانه سه اتاقه بیان حداقل بوده و چهار اتاقه بودن مانعی نداشته باشد، اتاق چهارم مقوم طبیعت نبوده و می توان گفت از حدّ مقوم طبیعت خارج است. حال مراد مرحوم صدر از دو قید مذکور برای صدق زیاده چیست؟ آیا تفسیر بدوی بیان شده مراد ایشان است یا تبیین بیان شده در کلام سید حائری مراد ایشان می باشد؟ در کلاس راهنما بیشتر در این باره بحث خواهیم کرد.

**قصد جزئیت در صدق زیاده**

در صدق زیاده مرحوم شیخ در رسائل می فرماید: برای صدق زیاده قصد جزئیت شرط است و اگر قصد جزئیت نکند، زیاده صادق نیست. اشتراط قصد جزئیت باعث ایجاد این مشکل شده که در برخی از روایات وارد شده است: در نماز سوره سجده دار نخوانید **«فان السجود زیاده فی المکتوبه»**[[5]](#footnote-5) در این روایت، بر سجده ای که برای آیه سجده دار خوانده شده، زیاده در مکتوبه اطلاق شده است در حالی که قصد جزئیت نسبت به این سجده نشده است. پاسخ به این اشکال در کلام فقیهان به صورت تفصیل وارد شده و این روایت را به نوعی تنزیل دانسته اند. مرحوم شیخ در این بحث وعده داده که درباره معنای حدیث بحث خواهد کرد اما به این وعده وفا نکرده است. ما نیز به علت تفصیل موجود در این بحث و نیاز به فحص گسترده در کلام فقیهان که مضرّ به بحث اصلی در زیادی جزء است، وارد این بحث نمی شویم.

**مباحث مهم در بحث زیاده**

در بحث زیاده مناسب است از دو جهت بحث شود.

جهت اول در کلام مرحوم حاج شیخ در درر وارد شده که اگر شک داشته باشیم شیءای زیاده مضر به صلاه است یا نه، می توان با تمسک به حدیث لا تعاد صحت صلاه را در فرض اتیان صلاه با این زیاده و لو به صورت عمدی اثبات کرد؟ البته تمسک به لا تعاد دو مشکل دارد اول آنکه ظاهر حدیث لا تعاد اختصاص به ترک اجزاء و شرایط نماز غیر از خمسه مستثنا از روی غفلت و سهو بوده و شامل صورت شک نیست. دو آنکه اگر فرض گرفتیم شامل شک نیز باشد، آیا حدیث لا تعاد شامل فعل امری که عدم آن معتبر است نیز می شود یا اختصاص به ترک امری دارد که وجود آن در نماز شرط است؟ این صورت چه به نقیصه بازگشت داشته باشد و چه نقیصه بر آن صدق نکند، نکته جدیدی دارد که مناسب است مورد بحث قرار بگیرد که در این مقام، شمول لا تعاد نسبت به شک را مفروض گرفته و تنها از ناحیه دوم که شمول لا تعاد نسبت به اجزاء عدمی باشد، بحث خواهیم کرد.

جهت دوم این است که اگر شخص علم به عدم جزئیت داشته باشد اما با این حال به قصد تشریع جزء را زیاد کرده و محرّک او به انجام عمل، عبادت همراه با زیاده باشد، آیا قصد قربت متمشی می شود؟ مرحوم شیخ در رسائل چند صورت را برای آن تصویر کرده و مرحوم آخوند نیز این بحث را پیگیری کرده است که مناسب است به طور کلی تر بحث مورد بررسی قرار بگیرد که در چه صورت هایی قصد قربت متمشی می شود و در چه صور قصد قربت متمشی نمی شود.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

1. فرائد الأصول، ج‏2، ص: 370 [↑](#footnote-ref-1)
2. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 392 [↑](#footnote-ref-2)
3. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 395 و صدق الزيادة الحقيقيّة لشي‏ء في شي‏ء آخر له شرطان: الشرط الأوّل: أن يكون المزيد فيه مطّاطا و مرنا يمكن أن يشتمل على تلك الزيادة كما يمكن أن لا يشتمل عليها، و ذلك كما في مثال البيت الّذي يصدق على البناء المخصوص بما فيه من غرف، سواء فرضت ثلاثا أو أربعا مثلا، و لو لم يكن كذلك لم تصدق الزيادة فيه، فمن بنى خلف داره بستانا أو حانوتا لا يصدق أنّه زاد في بيته، لأنّ مفهوم البيت لا يشتمل على بستان أو حانوت خلفه، و لهذا لا تصدق الزيادة في الكفاية، أو في الأصول على طبع كتاب خلف الكفاية، أو تأليف كتاب خلف كتاب الأصول، لعدم مطّاطية الكفاية، أو الأصول و مرونته بلحاظ تلك الزيادة. [↑](#footnote-ref-3)
4. مباحث الأصول، ج‏4، ص: 398 لا إشكال في مبطليّة الزيادة التشريعيّة، و أمّا مبطليّة الزيادة الحقيقيّة على الإطلاق فتستلزم مبطليّة القنوت و الأذكار المستحبّة و الأدعية الجائزة، لأنّ مسمّى الصلاة لا يأبى عن دخولها فيه، و هي خارجة عن حدّ الوجوب، فكلا شرطي صدق الزيادة الحقيقيّة ثابتان. إذن فلا يبعد حمل رواية «من زاد في صلاته فعليه الإعادة» على زيادة الركعة- كما رواها في الوسائل في باب زيادة الركعة، و هو الباب 19 من أبواب الخلل من المجلّد الخامس، ج 2، ص 332- أو على الزيادة التشريعيّة [↑](#footnote-ref-4)
5. الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏3، ص: 318، ح 6 مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَاF قَالَ: لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ بِشَيْ‏ءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبه [↑](#footnote-ref-5)